

۱۳ اردیبهشت

۱۱۰۴۰۹۰
مجموعه

۱۳۷۹
۱۳ اردیبهشت

حضرت آیت الله العظمی خاتمی

با عرض سلام به ببال و تقاضای درستی که از شما میسر شده است و در مورد
تکلیف فراتر از آنکه تعیین می‌شود و استدعا دارد معذورانه مطالبه آن
به آن هم میسر نیست تا به شما که ممکن است در افکار انسانی نباشد
چون نمی‌داند که به چه اندازه به شما که در این فراق می‌شود
به این که ممکن است قابل توجهی که در مقابل آن وجود مبارک و در این مطلق
الهی وجود کند (بجایم)
آنست سیال بسم العزیز قبری «طالقانی» آیت الله العظمی خاتمی
و از شدت ...
فراغت از حقیر نیز انجا و لطیفای کرده باشد

بیتام توکل
ک - شهر

در اینجاست
توجه: با این فرستادن
۱۳۷۹/۱۱/۰۵

اینی در نزال «حایر» دیگر از ماضی می آید

موضع هر هر سی در قبال ملت ایران چیست؟

مردمی است که یکی از آشوب بر راه اندازان و قصابان امریکا می بینم «حایر» در ایران است و یکی نیست به دولت امریکا بگوید که تاکی میجو اصرار بر این رفتار علی بن خود علیه ملت ایران ادامه دهد؟ مگر هر کسی زود دارد باید تفرقه دلش فراتر باشد مثل ضعیف انجام دهد؟
ده سال است که استوار ملت غلطی را پیش گرفته و سعی دارد بوسیله ناپسند عود و مکر و فرود
داخلی کشور را تحت استوار تسلط خود را بر آن حفظ نماید و تا بحال هر چه از این کار دیده باز هم
درین صورت نگرفته است!

اتحادیه «حایر» و «افغان» بدهای ها، حسن و دادا، نجیب و... بوده اند که بعزیزان
ش و دوست و عزیزه در و بینیم و مسعود می بد دولت امریکا اطمینان میداده اند که: فاطمه
ساک آسوده باشد، همین چنین نفر دیگر را می کشد و او ضعیف آرام می شود و همین بدینکه باعث
شدند امریکا با آن حقیقت از و هتیم و کامیج را نیز شد.

امروز هم مثل به حال بنام آید ایران را می شود و مشا و رال و مست را و خود فروخته که سزا
در پی یافتن راه های موقعی هستند که با آن بتوانند از باب خود را گول بزنند و سرش بشود بالند
و به او بگویند بالاخره ما هم کاری کردیم و با این فکر خام می دستور آدم کشی می دهند و می روز
بروز او ضعیف بدتر می شود و به اقبال قوی سرانجام کار به اینجا خواهد رسید که هیچ آید و می هست
امریکا و امریکا در مورد مسئله ایران نمی خواهد بماند.

امروز نزال «حایر» و اتحاد او در بنده آل هستند که دولت امریکا را از این سنگان صید
نجات دهند، بلکه تمام گوشت آن این است که بگویند بر افشای حاکم که بیاد آورده اند سرش
بگذارند... فرود آمدن را می بینند که نبال خود را جل و رود نام را بکنند و این خود می اندازند
موقعیت و را است که می سازد، بنام آید را دیو بگویند و دیو را نام را قطع میکنند و با استوار
بدالت خود و غلطی است امام و ملت ایران را بیشتر بر جهان نبال انگار می بیند و ضعیف است که
بزرگتر از این که تا بحال همه اینها او ضعیف را نشود و موقعیت می آید و در این است که کرده است.

بوسیله ایادی خود بر مردم افکار، تبعیض، گرسنه، نه بر آید مستقیم و غیر مستقیم بر دارنده و مردم را
از گود و مانند آل می کشد و این جز خود را، هیچکس دیگر را نمی تواند گول بزند، زیرا
آنها مردم امروز ایران و رای این است و انقدر از در می تغیر دارند که هیچ چیز نمی تواند آنها را
صدق باز دارد و اگر دولت امریکا بماند باشد، دیگر از دولت مستقیم و غیر مستقیم - غیر مستقیم
بوسیله مصر و مغرب و... - سر باز می زنند و تا پیش از این آلوده شده طرفداران خود را از

معرکه بدر میبرد، چون ماضی را هر وقت از آن بگریزیم باز می آید
بسیج هم موقعیت و (نام قبیله) با و گریز می کشد بر این نیست و این است که در دنیا از (نام قبیله) آمده

و هاتمی را که ملت ایران از وی مسکینه است و الا با موضع آئینه قابل مقایسه نیست، آید دنیا
تا این حد سخته است که با آن سخته عقیقه که مردم ایران و آزاد بخواند دنیا از آن، و در این اواخر
گروه اند، باز هم کسی فکر باز گرداندن او باشد؟

انتقاد ملت ایران از وی می‌سی

همه میدانند که شاه بر این نجات خود دست بحسب کرده و پول کلانی در اختیار مقاماتی گذاشته و حتی
بعید نیست سبیل پادشاه مراکش و انورسادت و ... را هم چرب کرده باشد، که حدالیه
با موافقت امریکا نقشه هائی اجرا نمایند.
اما اگر کارگردانان محسبی فارسی می‌می‌سند هم گشت تاثیر قرار بگیرند و در این راه افکار که دولت
محسبی را با همکاران مستشاران امریکائی در حال اجرای آنست، بشویندند، ملت ایران
هیچگاه آنرا نخواهد بخشید.

شاید این تصور بدیش نباشد، اما افسوس که بعضی نقیصه هائی که این را دیو محسبی مسکینه پیدا است با
آن ره دولتی امریکا و اسرائیل و منظور از آن افکار مردم ایران از واقعیت است، و هم فرد
ایرانی از این دستگاه گفت قلم نه اندک. مثلا:

یکم: «ایران» و «ایران» میخواهد حکومت اسلامی را با معیارهای غربی خود بسنجد، در حالیکه خود
انام چنین اعلام کرده است همه ای پس از بردن کامل وقت تمام بهتر نیست را ارائه میدهند، مردم
ایران میدانند که در حال حاضر بقرین، مستفکرترین و صادر قانع ترین افکار، معقول تریه این طری
هستند و دیگر آن موضع استبدادی و خشن و جود ندارد که هر طری فقط بظهور خفیات و دستگاه او
از این مسکلت و تنه آشنائی به صورت، آگاهی و صداقت تمام با حسن نیت افراد که فعلا
معقول تریه آن مانده هستند به مردم اطمینان میدهد که آنچه در این زمینه فراهم شود بهتر است.

دوم: «آر» و «استی» گزارش میکنند که فعالیتات در گروه های متقابل قرار دارند
و باید بگویم همگونی ندارند و دیگر نیست و این گروه ها را در نظر بگیرد و از طرف مقابل
و دولتی «توسیل دیگر» را هم که حال نگین گزارش واکر و نامور آن خوانند و کار و در این
عصوات هستند و همینجا بوده اند که مانده است این را به این روز نشاندند و آنرا به مسلح کردند و حال
دم از طرفدار آن میزنند، نیز خبر و اضراب داخل آدمی بسیار دارد ... و باید این همه حزب
دولتی در میان مردم زمینه ای ندارد، هالطور که ملیون و ایران نوزی و رستخیزند.

آر و استی اظهار نظر فرموده اند که در ایران جبهه ملی چیزی نیست و مسائل هم تکلیف متعلق ندارند،
در صورتیکه هر دو اینها بزرگترین پایگاه سیاسی و عقیدتی در ایران میدانند و همچنین این تکلیف را
دارند، هین مساجد، اماکن و محاسن ستمانی بسیار و مذهبی دارند هر آن بهترین آمار را همراه

اعتقادی را هیچ در مردم بوجود آورند و اگر وسیله ظهور از این چیز خبر ندارد؟ یا اینکه منظور از
 انحراف افکار است؟
 بهر حال، امروز اکثریت مسلمانان ایران با بار آبی و موقع شش ماهی معقول مبارزه اند
 و همین راه بیابانی عظیم و اعدایان متورانه قاطعیت آنرا نشان میدهد و هر مغربی که اینرا
 نادیده بگیرد بیدار است یا بی اطلاع از روحیه ایرانی است و یا مغرضی... و اگر نه ظهور میدهد
 نه دم جمعیت کثوری را بیدار نمرد؟

آیا این نشود که بی بسی جمعیت چند ملیونی نسبت زهر را قبل از ورود امام بنیاده قرار
 نزنند و شب بعد مجبور شود قیام کند، یا جمعیت روز و روز امام را که نتواند از اثر شش ماهی
 که مبدول نترانده بودند و با جمعیت ایران محبوس قریب پنج میلیون نفر میشدند، که مبدول
 گزارشی کند و یا تعداد مشخصی از نگاه را که بر این مذهب ایران بیش از ۵۰۰ نفر داشته اند
 قلمداد نماید و یا افکار قاطع ملت ایران را نادیده بگیرد و دولتی را که نتواند این معجزه نترانند
 ملازم و غیره و زوال معلوم الحال است، مائوئی تلقی کند؟ و این حرف منتهی آخر چیست در آنکه
 «امین مکتوب» استیجاب نمائید که این مذهب را و به نحوه عملش که - پس از آنکه - کار دارم و در دست
 بدانند؟ با حال معیار آن مذهب هم گفته باشند هم این مکتوب را، تغییر و اظهار نظر؟ مکتوب است،
 بنابراین آیا بندهای در کار نیست؟
 باری، ما همه اینم که میبوی، یک رادیو بی طرف است و باید نظرات هر یک از طرفهای قضیه را
 ابراز کند، اما افسوس که این بی طرفی منفر شده است و باید دل توجه و هوای بخشن کار را
 مبادرت میورزد و مستحق است مردم ایران را امروز در آن بحیرت است که اکثریت قاطع
 آنرا حذر میکنند و حقایق را تمییز دهند و افکارشان را دور نگردد و منحرف نمیشود.

بهر حال امید داریم روشی این دستگاه تغییر کند و بی طرفی را بطور جدی بپذیرد و بپوی
 حفظ نماید، ملت ایران نمیدانند که این رادیو یکباره طرفدارش باشد، اما انتظار دارد
 که بیکنند بهر گراب تا فریاد بوزد و نه کباب

ن - جمعی است